

جهان نما

سکوت آمریکا توجیه ندارد؛ لزوم ورود کنگره به حقوق زنان سعودی

مریم علامه زاده

هتون الفاسی، فعال حقوق زنان سعودی از ژوئن سال ۲۰۱۸ (خرداد-تیر) در زندان عربستان سعودی به سر می برد. وی یکی از برجسته ترین و شناخته ترین پژوهشگران سعودی و استاد دانشگاه ملک سعود ریاض است. سابقه ۵۰ ساله وی در تدریس برای همه شناخته شده و ۱۲ اثر برجسته وی در ارتباط با تاریخ زنان در عربستان بسیار تأثیر گذار است؛ وی مقالات بسیاری نیز در رسانه های معتبر جهانی منتشر کرده و افتخارات عدیدهای در جامعه بین المللی کسب کرده است که از آن جمله می توان به عضویت در انجمن ملی افتخاری فرانسه اشاره کرد.

روزنامه واشنگتن پست در سر مقاله خود به این موضوع پرداخته است و عنوان می کند که کنگره آمریکا باید برای ادامه همکاری با حکومت سعودی، شروطی را برای عربستان سعودی مطرح کند و این گونه جلوی اقدامات عربستان علیه زنان بایستد.

فاسی سابقه بیش از یک دهه ای در مسئله حقوق زنان داشته و همواره مواضع خود را به صورت مسالمت آمیز مطرح کرده است. مسائلی که وی دنبال کرده شامل حقوق زنان در رانندگی و حق زنان برای شرکت در انتخابات محلی می شود. با این حال عربستان سعودی اقدام به زندانی کردن این فرد کرده است.

سابقه ۱۰ ساله فاسی را دایره سر کوپگر بن سلمان نتوانست تحمل کند و وی را به زندان انداخت و با وجود آنکه ژوئن (خرداد – تیر) سال گذشته قانون رانندگی زنان تصویب شد، ولی بازداشت این فعالان همچنان تداوم پیدا کرد. گفته می شود که حداقل ۹ زن در زندان های عربستان سعودی به سر می برند و بسیاری از این افراد در بازه های طولانی در سلول انفرادی نگه داشته شده اند. برخی از این زنان از سوی نیروهای سعودی به طرز وحشیانه ای شکنجه شده اند. رسانه های دولتی وقیحانه ترین مواضع را در قبال این افراد عنوان کرده اند و این در حالی است که جرم هیچ کدام اعلام و اثبات نشده است.



بر اساس توثیاتی که دولت عربستان اخیراً منتشر کرده است، فاسی به عنوان یک زندانی عقیدتی، یکی از سه زندانی است که پس از گذراندن دوران حبس انفرادی حالا به زندان عادی الحائر در جنوب ریاض منتقل شده است. با این حال دولت سعودی هیچ جزئیات دیگری را در مورد فاسی و شرایط جسمی وی منتشر نکرده است. چندین سازمان مدافع حقوق بشر و همچنین رسانه ها از جمله واشنگتن پست، اواخر سال گذشته میلادی از شکنجه چندین زن در سلول های انفرادی سعودی ها خبر دادند.

از جمله این شکنجه ها می توان به ضرب و شتم های وحشیانه، غرق مصنوعی، شوک الکتریکی و حتی سوءاستفاده جنسی اشاره کرد. خانواده یکی از این افراد زندانی با نام لاجین الهدول، به رسانه ها گفته است که سعودالقطانی، یکی از معاونان ارشد سابق بن سلمان شاهد سوءاستفاده از این زندانی بوده و او را تهدید به قتل و تجاوز کرده است.

با این وجود رفتار ظالمانه رژیم سعودی علیه این افراد اندک واکنشی از سوی جوامع بین المللی در پی نداشته است. سال گذشته دولت کانادا نسبت به بازداشت سمر بدوی و نسیمه الساده اعتراض کرد و دولت سعودی به راحتی سفیر این کشور را اخراج کرد و سفیر خود را از او تاوا بازگرداندند؛ در واکنش به این اتفاقی ترامپ از دولت دو کشور خواست که تفاوت های یکدیگر را تحمل کنند.

مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، در جریان سفر اخیر خود به عربستان سعودی، عنوان کرد که مراتب اعتراض خود در مورد این بازداشت ها را به مقامات ریاض ابراز کرده است؛ اما تغییری در این شرایط ایجاد نشد. از طرفی آمریکا مدافع بن سلمان حتی با وجود ماجرای قتل جمال خاشقجی، روزنامه نگار منتقد سعودی بوده است؛ بن سلمان می داند که هیچ وقت لازم نیست برای سوءاستفاده از حقوق بشر به کسی پاسخگو باشد.

سیاست منسوخی که در خاورمیانه جواب نمی دهد

برتری جویی مصالحه ناپذیر



سید محمد میرزا محمدزاده

در عراق، تنش های بین آمریکا و ایران دست آویزی برای جان بولتون، مشاور امنیت ملی جنگ طلب آمریکایی شده است تا به صراحت برنامه های خود را برای حملات نظامی علیه ایران عنوان کند، به گونه ای که مقامات پنتاگون تشدید نگرانی های خود مبنی بر اینکه بولتون به سمت یک منازعه شتاب گرفته است را اذعان کردند. در حاشیه این التهابات، دولت ترامپ سیاست خاورمیانه خود را روی تعهد به دولت های متخاصم و توجه ویژه به ایران، با توجیه اینکه ایران منبع همه مسائل منطقه ای است متمرکز کرد. با وجود اعلام ترامپ در مورد خروج نیروهای ارتش آمریکا از سوریه، تمرکز مشاوران جنگ طلب وی بر ایران و خاورمیانه هیچ آمیدی برای تسکین تنش ها باقی نمی گذارد.

برخلاف ارزیابی اخیر مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، در جریان سخنرانی اخیر خود در قاهره، سیاست مداخله جویانه آمریکا و جنگ و فروپاشی دولت ها در خاورمیانه به شدت موجب آسیب به منطقه در سال های گذشته شده است. مردم منطقه نیازمند شانس تغییرات سیاسی درونی و مدیریت امور جوامع و آینده خود هستند. اتکای بلندمدت آمریکابه مداخله نظامی و رژیم های دیکتاتوری در منطقه منجر به گسترش ناامیدی سیاسی و زایش افراط گرایی شده است. سیاست کناره گیری باید به رویکرد پیش فرض آمریکادر منطقه شکست است.

تبدیل شود، چرا که مداخلات بسیار آمریکا ونه دخالت کمتر، منجر به تشدید بی ثباتی در منطقه شده است.

در عصر بعد از جنگ جهانی دوم، روسای جمهور آمریکا در بیشتر مواقع، به رهبران استبدادگر برای حفظ ثبات در خاورمیانه چشم داشته اند و همین موضوع سبب شده که مستبدان و سلطنت های منطقه ای به شدت همسو با نظم امنیتی منطقه ای ائتلاف آمریکایی باشند. اواما رئیس جمهور پیشین آمریکا در سخنرانی سال ۲۰۰۹ خود در قاهره، از این رویکرد اندکی عقب نشینی کرد و به جهان مسلمان اعتقاد غیرقابل باور خود را ارائه داد و گفت مردم در هر جایی مشتاق به ارائه نظر درخصوص نحوه گرداندن کشور خود هستند. هر چند که دولت وی صرفاً نظاره گر بهار عربی بود و دخالتی در آن نکرد، اما اندکی بعد در آن دست برد و به کودتای نظامی سال ۲۰۱۳ مصر کمک کرد، اقدامی که از سوی جان کری، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، بازگرداندن دموکراسی خوانده شد و این عمل آمریکا را پادها می ماند.

دولت ترامپ اما به صراحت به مواضع قبلی آمریکا به منطقه بازگشت و سوءاستفاده شرکای ایالات متحده همچون عربستان سعودی یا مصر را نادیده گرفت و در همین حال گستاخانه ایران را به نقض حقوق بشر محکوم می کرد. هر چند که کاخ سفید در مورد اعتقاد به اتکا به نظام های

همان طور که باراک اوباما در آوریل سال ۲۰۱۵ (فروردین اردیبهشت ۹۴) عنوان کرد، متحدهان عرب سنی همچون عربستان سعودی، بیشتر از آنکه در معرض تهدیدتهاجم ایران باشند، در معرض نارضایتی در داخل کشور خود هستند

سیاسی سر کوپگر که فرصت های اقتصادی کمی پیش روی مردم خود می گذارند، به عنوان ابزاری برای منافع ایالات متحده، اشتباه می کند. در حالی که دستاوردهای اولیه بهار عربی به صورت گسترده تخریب شدند، سال های بعد از این انقلاب ها ثابت کرد که رژیم های سنتی جهان عرب شکننده و خشن هستند. با افزایش فشار و حذف منتقدان، شرکای منطقه ای ایالات متحده آمریکا، چه مصر، چه عربستان سعودی و چه بحرین، صرفاً به تشدید شکاف های اجتماعی در کشورهای خود و شورش های اجتناب ناپذیر دامن می زنند.

در حالی که دولت هایی همچون مصر، بحرین و عربستان سعودی سعی دارند با زندانی کردن ده ها هزار نفر، معرفی گروه های میانه رو اسلامی همچون اخوان المسلمین به عنوان گروه تروریستی و خلع حقوق شهروندی رهبران مخالفان و فعالان، خود را از خیزش های عمومی دور نگه دارند، نباید

شکندگی آن ها را نادیده گرفت. از طرفی استراتژی بلندمدت ایالات متحده به منظور حفظ ثبات این دولت ها را نیز باید در نظر داشت. همان طور که باراک اوباما در آوریل سال ۲۰۱۵ (فروردین – اردیبهشت ۹۴) عنوان کرد، متحدهان عرب سنی همچون عربستان سعودی، بیشتر از آنکه در معرض تهدیدتهاجم ایران باشند، در معرض نارضایتی در داخل کشور خود هستند.

به ویژه، سلطنت سعودی از زمان ایجاد خود در اوایل قرن ۲۱، در معرض تهدیدهای داخلی قدرت های مذهبی یا جنبش های ایدئولوژیک چندملیتی سکولار بوده است. این تهدیدات شامل اسلامی، کمونیستی، پان عربی یا لیبرال دموکراسی می شدند.

در همین حال، تعهد بی پایان ترامپ به محمد بن سلمان و اشتیاق وی برای کنار گذاشتن همیشگی ایران از بودن به عنوان یک قدرت منطقه ای قوی تنها می تواند از این هدف ناشی شود که ایالات متحده همواره باید ابر قدرت جهانی بدون چالش باقی بماند.

حفظ قدرت تک قطبی ایالات متحده همواره هدف دولت های آمریکا از زمان فروپاشی شوروی سابق بوده است، اما چه خوب یا چه بد، نظم جهانی قرن بیستم از بین رفته است.

چشم انداز ژئوپلیتیک خاورمیانه از زمان غروب تک قطبی آمریکا، به شدت تغییر کرده است. از طرفی ترکیه خود به قدرتی مستقل تبدیل شده و روسیه نیز به قدرت بازگشته است؛ ضمن آنکه اروپا سیاست های منطقه ای خود را از ایالات متحده جدا کرده است. ایالات متحده دیگر نمی تواند از دیپلماسی به نفع تک محوری مانند خود چشم پوشی کند. اگر چنین راهی را پیش بگیرد، قدرت مانور خود را به واسطه فشار دیگر قدرت ها برای برقراری تعادل در مقابل ایالات متحده، قربانی می کند؛ این مسئله همین الان با در جات مختلف در مورد ایران، ترکیه، روسیه، اروپا و چین در حال شکل گیری است.

از منظر ثبات و امنیت، چنین برتری جویی مصالحه ناپذیر و بی پروایی، احتمال یک جنگ فاجعه بار دیگر آمریکا در خاورمیانه را به دنبال دارد.

ایالات متحده به جای آنکه

در عصر بعد از جنگ جهانی دوم، روسای جمهور آمریکا در بیشتر مواقع، به رهبران استبدادگر برای حفظ ثبات در خاورمیانه چشم داشته اند و همین موضوع سبب شده که مستبدان و سلاطین منطقه ای به شدت همسو با نظم امنیتی منطقه ای ائتلاف آمریکایی باشند

به خاورمیانه از دریچه یک بازی بی نتیجه نگاه کند، باید در رویکرد منطقه ای خود قوی تر شود. یک استراتژی محتاطانه در خاورمیانه باید حمایت بی قیدوشرط از استبدادگرایان منطقه را متوقف کند و دیپلماسی منعطف را به کار گیرد. امروز هسته رویکرد کنونی ایالات متحده در منطقه، حمایت فزاینده از حامیان منطقه ای و ترغیب آن ها برای بی پروا عمل کردن در مسیری است که امنیت ایالات متحده و منطقه را در معرض خطر می گذارد. برای این موضوع می توان به کمپین نظامی وحشیانه و آشکار عربستان علیه یمن، محاصره قطر، تلاش برای براندازی دولت لبنان، ترور جمال خاشقجی، خبرنگار منتقد و شکنجه فعالان حقوق زنان از سوی مقامات ارشد سعودی اشاره کرد.

در محیط رقابتی کنونی جهان استراتژیک، شرکای ایالات متحده دیگر در هیچ طیفی نمی گنجند و در هر مسئله ای با یکدیگر متفاوت هستند. با استفاده از مشارکت دیپلماتیک سرسختانه برای ایجاد تعادل بین قدرت های منطقه، آمریکا می تواند به ابزاری حیاتی برای تعامل با دوستان و رقبای دست پیدا کند. این گونه کمتر به دولت های وکالتی که به دنبال بهره کشی از قدرت ایالات متحده در راه منافع محدود خود هستند، نیاز پیدا می کند و بهتر خود را در مسیر عدم برهم زدن جوانب دموکراتیک مردم منطقه قرار می دهد. یک سیاست خاورمیانه دیپلماتیک از سوی ایالات متحده، به این کشور اجازه می دهد که بیشتر با قدرت های منطقه بر اساس منافع همگرا تعامل کند و برای منازعات منطقه بر اساس چندجانبه گرایی راهکارهای سیاسی بیابدند.

خبر



استفاده شود. در سرمقاله نیویورک تایمز تأکید می شود؛ واضح است که ترک ناتو یک اقتضاح سیاست خارجی، اصطکاک نفوذ آمریکا در اروپا و تقویت ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه خواهد بود که خواستار یک ناتوی ضعیف شده است تا بتواند دستور کار سیاسی و نظامی خود را پیش ببرد. با این حال میچ مک کانل، رهبر اکثریت سنا قصد ندارد که در صورت اقدام ترامپ برای عملی کردن تهدیدات مکرر خود، خواهد حرکتی در توقف آن انجام دهد.

در این مطلب تأکید می شود سنای تحت کنترل جمهوری خواهان باید توازن وارد عمل شود. نیویورک تایمز پیشنهاد می دهد سناتورها یا لایحه مجلس نمایندگان آمریکا را تأیید کنند، یا یک لایحه جداگانه به تصویب برساند که بر اساس آن دونالد ترامپ برای تعلیق، خاتمه یا خروج از ناتو نیازمند دوسوم رأی سنا باشد و چنانچه رئیس جمهوری آمریکا از رأی سنا برای حفظ عضویت ناتو پیروی نکرد، لایحه مذکور اجازه نمی دهد از ذخایر فدرال برای تأمین هزینه خروج

اشاره به رابطه ایالات متحده آمریکا و ناتو آمده است: ائتلاف ناتو که اکنون ۲۹ کشور

عضوآن هستند، در هفت دهه گذشته شالوده ثبات و سعادت دو سوی اقیانوس اطلس بوده است. ناتو همچنان روسیه درنده را در تنگنا قرار داده است و این خطر که سربازان آمریکایی ممکن است بار دیگر در خاک اروپای مبارزه کنند، از میان برد.

نیویورک تایمز می نویسد: حال در ریاست جمهوری یک تاز دونالد ترامپ، احتمال خروج آمریکا چنان نگرانی ایجاد کرده است که کنگره گام هایی برای متوقف کردن آن برداشته است. مجلس نمایندگان آمریکا تحت رهبری دموکرات ها در ۲۲ ژانویه به یک لایحه دوحزبی ۳۵۷ رأی موافق و ۲۲ رأی مخالف داد که عملاً دست و پای ترامپ را می بندد؛ طبق آن ترامپ اجازه ندارد با پول دولت فدرال هزینه های هر گونه خروج احتمالی از ناتو را پرداخت کند.

تلاش نمایندگان آمریکا برای نجات ناتو

همچنان باید در سنا بررسی شود. این در حالی است که مجلس سنا بر خلاف مجلس نمایندگان، اکثریت جمهوری خواه دارد، کسانی که با تدروی های گذشته خود ثابت کرده اند که برهم زدن توافقات جهان چندان هم دور از مذاق آن ها نیست. فروپاشی پیمان آتلانتیک شمالی، بیشتر از آنکه تهدیدی برای ترامپ باشد، امنیت اروپا را به خطر می اندازد. اروپا در کنار شرایط بی ثباتی که خود دارد، از روسیه به عنوان ابر قدرت شرق اروپا می ترسد.

مجلس نمایندگان آمریکا به اتفاق آراء به جلوگیری از اجرایی شدن تهدید دونالد ترامپ به خروج از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) رأی داد. سنا هم باید مسیر مشابهی را در پیش بگیرد. این ایده که ایالات متحده می تواند از ناتو خارج شود فرا واقع گرایی است.

در سرمقاله روزنامه نیویورک تایمز با

اختلاف آمریکا و اروپا تشدید می شود

تلاش نمایندگان آمریکا برای نجات ناتو

تلاش های ترامپ برای فروپاشی همه نظم های جهانی پایان ندارد. لغو برجام، لغو معاهدات تجاری نفتا و معاهدات تجاری با اروپا، آغاز جنگ تجاری با چین، خروج از پیمان منع توسعه موشک های میان برد با روسیه، همه جز پیمان هایی هستند که ترامپ به راحتی از آن ها خارج شده است. طعنه های گاه و بی گاه وی به پیمان آتلانتیک شمالی، حاکی از توهمات وی برای خروج از ناتو است. ناتو که دیر زمانی ثبات را برای نیم کره غربی به ارمان آورده بود، حالا به ملعبه دست رئیس جمهور آمریکابدل شده است. جدیت وی در اجرای تصمیماتش، حالا نمایندگان آمریکا را بر آن داشته تا کاری کنند، بلکه جلوی تندروی های وی را بگیرند. نمایندگان مجلس آمریکا که اکثریت آن ها در دور جدید دموکرات هستند، با تنظیم لایحه ای با رأی اکثریت تلاش دارند جلوی منحل شدن ناتو را بگیرند؛ البته این موضوع